

## باید با کشورهای ساحلی دریای مازندران وارد مذاکره شویم، موضع گیری در مقابل توافق های دو جانبه، از دست دادن وقت است

از آن ۱۹۴۰ تا حد قابل ملاحظه ای ضوابط حقوقی وجود دارد که می تواند یک دیوان جهانی مثل دیوان لاهه آن را مورد نظر و ارزیابی قرار دهد.

وی همه ی اقدامات گفته شده را منوط به تفاهم و پیوند با قدرتهای فرامنطقه ای حاضر در منطقه ی دریای مازندران دانست و گفت: "در پی این تفاهم است که می توانیم هم در گفت و گوهای دو جانبه و هم در گفت و گوهای چندجانبه خودمان را وارد کنیم و یا این که اگر قضیه به دیوان داوری کشید، در آن جا به حداقل دسترسی پیدا می کنیم."

این کارشناس یادآور شد: "مجموعه ی مسایلی موجود اینجا می کند که این دریاچه به صورت مشاع استفاده شود و اگر فشار بر این باشد که بستر تقسیم شود، این تقسیم باید به گونه ای باشد که بهره برداری از آن نتواند لطمه های کلان زیست محیطی را به دنبال داشته باشد."

وی در این رابطه اضافه کرد: "در حال حاضر بهره برداری ها، کاوش ها، اکتشاف ها و به اصطلاح چاه زدنهای کشورها از جمله جمهوری آذربایجان خسارتهای زیست محیطی فراوانی را متوجه این منطقه ساخته، که در نهایت تأسف هیچگاه با موضع گیریهای جدی ایران مواجه نگشته است."

وی در پایان درباره ی به رسمیت نشناختن قراردادهای دو جانبه از سوی دستگاه دیپلماسی ایران متذکر شد: "برای این که زمان از دست نرود و با نادیده گرفتن ایران این قراردادها به اجرا در نیایند و آن وقت از موضع ضعف رویه سوی سازمانهایی مثل دیوان داوری نکنیم، باید به فکر مذاکرات صحیح و نظرات کارشناسی هوشمندانه در تمامی ابعاد موضوع باشیم."

دو جانبه با قزاقستان و آذربایجان ما را به دنبال خود بکشند و به گونه ای وانمود کنند که از مشاع بودن این دریاچه که مورد نظر ایران است، حمایت می کنند و این در حالی است که آنها نخستین قرارداد را با قزاقستان بستند و پس از آن با جمهوری آذربایجان و در حال حاضر هم گفته می شود قزاقستان در حال انعقاد قرار داد با ترکمنستان است.

به اعتقاد وی تنها مشکل باقیمانده در بخش میانی بین ترکمنستان و جمهوری آذربایجان می باشد و ایران نه با ترکمنستان توانسته قرارداد مشخصی ببندد و نه با جمهوری آذربایجان.

ورجاوند در مورد ضرورت دفاع از حقوق ایران در دریای مازندران تأکید کرد: "ناگزیریم به این پدیده توجه کنیم و نظر خود را به تمام قدرتهای فرا منطقه ای که در قبال این منطقه وجود دارند و می توانند نقش ایفا کنند و خودشان را در منابع نفت و گاز این دریا و این منطقه سهیم می دانند، در میان گذاریم و به تفاهم دست بیابیم."

وی ادامه داد: "در این راه باید بتوانیم اول خودمان را از معضل و مشکلی که با دست خودمان در پیوند با مسایلی سیاست خارجی به وجود آورده ایم، رها کنیم، اگر چنین شد آن وقت قادر خواهیم بود که از موضع واقع بینی و قدرت معقول با تمام همسایگان پیرامون دریای مازندران به گفتگوی سازنده بپردازیم."

وی اضافه کرد: "در این حالت قادر به مذاکره و دفاع از حقوق خودمان با تکیه بر قراردادهایی که در گذشته در مورد این دریاچه وجود داشته (ایران و روسیه تزاری، ایران و اتحاد جماهیر شوروی و قبل از آن به عنوان این که این دریا یک دریای درون سرزمینی برای ایران بوده) خواهیم گشت."

ورجاوند افزود: "در قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ و پس

دکتر پرویز ورجاوند، سخنگوی جبهه ملی ایران، در مصاحبه با ایسنا گفت: "دیپلماسی ایران تصور می کند همه ی مسایلی کشور با شعار حل می شود و با همه ی موارد برخورد شعار گونه دارد و به خاطر همین تصور و ذهنیت غلط فکر می کند که می تواند تمام اظهار نظرهای خود را به دنیا دیکته کند و در مجموع این نوع نگرش شکست های متعددی را متوجه کشور کرده است."

ورجاوند درباره ی مسئله دریای مازندران تصریح کرد: "مساله ی دریای کاسپین یا مازندران به عنوان بزرگترین دریاچه ی جهان، عبارت است از این که شماری از افراد به اعتبار این که این جا دریاست، نظام دریایی را بر آن حاکم می دانند، اما این مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق کشورهای ساحلی این دریا نیست."

وی در مورد وجود نظام حقوقی خاص برای دریاچه ها خاطرنشان کرد: "در دنیا یک کنوانسیون روشنی که بتواند در مورد منافع مستقیم سطح و بستر دریاچه ها در قبال کشورهای مجاور اظهار نظر روشن و ضوابط مشخصی را برقرار کرده باشد، وجود ندارد."

وی اضافه کرد: "این موردی است که در همه ی مواقع و بسته به شرایط و منابع و با توجه به توان سیاسی کشورهای همجوار، قراردادهایی در قالب قراردادهای دو جانبه و چندجانبه بسته و مورد اجرا قرار می گیرند."

"مساله ایران عبارت است از این که اگر قادر نباشیم با کشورهای پیرامون دریای مازندران به یک تفاهم و توافق دست یابیم و با آنها وارد مذاکره نشویم، اشتباه کرده ایم چرا که تاکنون به مقدار فراوان از روسها رودست خورده ایم، موضع گیری در مقابل توافق های دو جانبه کشورهای ساحلی، وقت از دست دادن است."

وی در ادامه گفت: "روسها توانستند برای انعقاد قرارداد

## حقوق ملت ایران در دریای مازندران

را که جنگهای بیست ساله خانمانسوز در قفقاز، و نیز توطئه تقسیم سیاسی کشور ایران به مناطق تحت نفوذ شمال و جنوب توسط دو قدرت روسیه تزاری و انگلستان ایجاد کرده بود، از بین ببرد. در پیمان ۱۹۲۱، بند هشتم پیمان ترکمانچای لغو شد و دو دولت ایران و شوروی روی حقوق برابر در این دریا توافق کردند. در عوض، دولت شوروی این حق را برای خود گرفت که اگر دولت ایران نتوانست عملیات عناصر ضد شوروی را در خاک ایران متوقف کند، آنها بتوانند برای این کار به خاک ایران نیروی نظامی وارد کنند. البته اگر در آن سال هم اگر دولت مقتدری می داشتیم، شاید می توانستیم لغو پیمان ترکمانچای، یا دستکم سازشی بینابین مانند، مثلا، استرداد منطقه هایی از ۱۷ شهر قفقاز و مرو، رانیز مطرح کنیم؛ ولی آن فرصت از دست رفت. تصور می رود که در شرایط آن روز، یک دولت ملی متکی به اراده ملت می توانست دستکم نخجوان، لنکران و مرو را پس بگیرد.

در سال ۱۹۴۰، طی پیمان دیگری بنام "پیمان بازرگانی و دریانوردی" میان ایران

کوروش زعیم، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران در مصاحبه با کانون دانشجویان حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد، در پاسخ با این پرسش که حقوق ملت ایران در دریای مازندران و نحوه حفاظت و صیانت آن چیست، پاسخ داد:

"منافع کشور ما همیشه هنگامی به خطر افتاده یا از دست رفته که دولت مرکزی ما ناتوان بوده، یا کشمکش های گروهی و جناحی در کشور جاری بوده است. این اصل در هنگام تسلیم های خفت بار ما در گلستان و ترکمانچای به روسیه، و از دست دادن ۱۷ شهر مهم ایران هم مصداق داشت؛ جنگهایی که هرگز نباید می باختمیم و یا دستکم به آن پیمانهای خفت بار تن در می دادیم. در بند هشتم پیمان ترکمانچای، حق دریانوردی در دریای کاسپین هم از ایران سلب شد. پس از انقلاب روسیه و پیروزی بلشویکها و تشکیل دولت کمونیستی شوروی، دولت شوروی از ترس اینکه مبادا روسهای سفید فراری (منشویکها) به ایران بیایند و در اینجا برای حمله مجدد به روسیه پایگاه بزنند، با ایران از در دوستی ظاهری درآمد و کوشید با امضای پیمان ۱۹۲۱، کدورت های فی مابین